

نامه‌های نویافته

چند نامه از مرجع فرهنگیان حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی

سید محمود مرعشی نجفی *

چکیده

این مقاله، مجموعه‌ای از پانزده نامه نویافته از آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی خطاب به مرحوم حاج حسین عمادزاده اصفهانی است که اخیراً به خط مرحوم آیت الله مرعشی در کتاب دائرة المعارف رجال اسلام به تدوین حسین عمادزاده منتشر شده است. نگارنده مقاله، مقدماتی در مورد گستره ارتباط علمی مرحوم آیت الله مرعشی با رجال علمی زمان خود نوشته و شرح حال کوتاهی از مرحوم عمادزاده آورده است. نخستین نامه به سال ۱۳۷۱ قمری / حدود ۱۳۳۰ شمسی بر می گردد که خبر از افتتاح کتابخانه آستان مقدسه حضرت معصومه (س) می دهد. در نامه ای دیگر، به جهت مظلومیت اهل بیت علیهم السلام در برابر حملات قلمی وهابیان، ضرورت دفاع علمی از اهل بیت را خاطر نشان می کند. نیز، از شخصیت های علمی دانشگاهی آن زمان به نیکی یاد می شود و در مورد مراحل تألیف و نشر بعضی از کتابهای آقای عمادزاده مطالبی بیان می شود.

کلید واژه

مرعشی نجفی، سید شهاب الدین؛ عمادزاده، حسین؛ دائرة المعارف رجال اسلام (کتاب)؛ کتابخانه آستان مقدس حضرت معصومه؛ آثار مکتوب حسین عمادزاده؛ تاریخ علمی ایران - قرن چهاردهم؛ مکاتبات علمی - قرن چهاردهم.

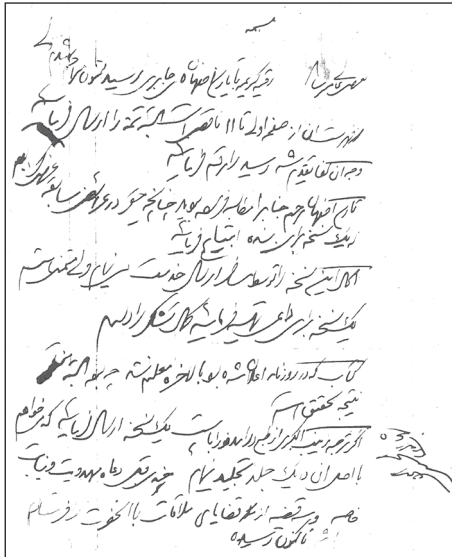
* تولیت و رئیس کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی.

مقدمه

سالی نمی‌گذرد مگر اینکه شماری اسناد، شامل نامه و اجازه‌روایی و امور حسبیّه، از مرحوم والد بزرگوار، مرجع فرهنگبان شیعه، حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی - قدس سرّه - در لابلای کتابها منتشر می‌شود. اخیراً در کتاب دایرة المعارف رجال اسلام، که در پانزده جلد و به قلم مرحوم عماد الدّین حسین اصفهانی (عمادزاده) نگاشته شده است، بیش از پانزده نامه از مرحوم والد به استاد عمادزاده و فردی دیگر، برای نخستین بار به چاپ رسیده است. کهنترین این نامه‌ها به تاریخ ربیع الثانی ۱۳۷۱ ق، یعنی نزدیک به هفتاد سال پیش است. واقع اینکه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی روابط اجتماعی گسترده‌ای با روحانیون داخل و خارج کشور، و با دانشگاهیان و چهره‌های فرهنگی داشت. گواه این موضوع کتاب نامه‌های ناموران و المسلسلات فی الاجازات است که شامل نامه‌ها و اجازات مشایخ شیعه و اهل سنت به ایشان است. برخی از دانشگاهیان ضمن نامه‌نگاری به ایشان و استفاس در موضوعات مختلف علمی، به منزل پدر می‌آمدند و از کتابهای مخطوط و مطبوع، به ویژه کتابهایی که در اروپا و شبه قاره هند چاپ می‌شد، استفاده می‌کردند. از جمله آنها، تا آنجا که در خاطر دارم، استاد بدیع الزّمان فروزانفر، استاد جلال الدّین همایی، استاد محمد تقی دانش پژوه، استاد عباس اقبال آشتیانی، استاد حسین عمادزاده، دکتر عباس زریاب خویی و دکتر حسین کریمان بودند. برخی از ایشان در ایّام طلبگی در درسهای مرحوم والد شرکت می‌کردند و همواره این نکته را با افتخار بازگو می‌نمودند.

این استادان نادر المثال، گاه همگی و گاه دو-سه نفری، از تهران به قم می‌آمدند. صبحگاهان به منزل پدر می‌رسیدند و تا عصر با ایشان به گفتگو می‌نشستند و ضمن صرف ناهار، که معمولاً آش جو با نان و ماست بود، با توشه‌ای از اطلاعات کتابشناختی و نسخه‌شناختی به تهران برمی‌گشتند. به هر حال، نخستین فرد از حوزویان که با دانشگاهیان ارتباط داشت و رابط حوزه و دانشگاه قلمداد می‌شد، حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی بود. اما سوگمندانه برای ثبت در تاریخ باید یادآور شوم که برخی از روحانیون به مرحوم والد اعتراض می‌کردند و گاه نامه‌هایی بی‌امضا برای معظّم له می‌فرستادند که چرا این دانشگاهیان ... را به خانه‌ات

راه می‌دهی و پاسخ حضرت ولی عصر - عج - را چه خواهی داد؟ ولی ایشان هیچ اعتنایی به این اعتراضات نمی‌کردند و می‌دانستند که روحانیت نباید از حوزه، جزیره‌ای برای خود بسازد و در حجره‌های در بسته محصور ماند. مرحوم والد دایره ارتباط خود را تا خارج از مرزهای ایران گسترش داد و با عالمان برجسته اهل سنت و شیعه مکاتبه داشت و ضمن اجازه روایی به آنها، از آنها نیز اجازه دریافت کرد. از جمله می‌توان از این عده یاد کرد: شیخ طنطاوی (مؤلف تفسیر الجواهر)؛



یوسف دَجَوی (شیخ الازهر آن روزگار)؛ شیخ حمیدالدین یحیی بن محمد (پیشوای زیدیان، ساکن شهر صنعاء در یمن)؛ شیخ محمد بن زبارة، مورخ نامدار یمن که در زمان مرحوم آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری، به دعوت پدر بزرگوارم به قم آمدند و از برخی مراکز تاریخی و علمی بازدید کردند. گفتنی است مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی به «شیخ الاجازه» شهره شد؛ از آن رو که نزدیک به پانصد اجازه از عالمان امامیه و زیدیّه و اهل سنت کسب کرده بود که اینجانب همه آنها را گردآوری کرده و در دو جلد، به قطع رحلی، تحت عنوان المسلسلات فی الاجازات عرضه داشته‌ام.

یکی از استادانی که با مرحوم پدرم مکاتبات و ارتباطاتی گسترده داشت، مرحوم حسین عمادزاده -رحمة الله علیه- بود. به یاد دارم روزی در معیت مرحوم آیت‌الله شیخ محمد مجاهد تبریزی، از مدرّسان برجسته کفایة الاصول، روانة عتبات عالیات بودم که استاد عمادزاده نیز در بیت پدر تشریف داشتند. چون نامبرده از موضوع سفر ما مطلع شد، از مرحوم والد تقاضا کرد تا فرزندشان را که اشتیاق زیارت عتبات عالیات داشت، همراه خود کنیم. خواسته ایشان انجام شد و در بازگشت، استاد عمادزاده بسیار سپاسگزاری و قدرشناسی کردند.

مرحوم عمادزاده (۱۲۸۴-۱۳۶۹ش)، از مشاهیر نویسندگان در موضوعات مختلف علمی، از جمله تاریخ، بود. وی در حوزه علمیة اصفهان نزد استادانی چون سید علی نجف‌آبادی، میرزا علی شیرازی، سید صدرالدین کوهپایه‌ای و میرزای کلباسی، شاگردی کرد. سپس به تحقیق و تألیف روی آورد و بیش از صد عنوان کتاب تألیف کرد؛ از جمله تاریخ انبیا از آدم تا خاتم، زندگانی حضرت رسول(ص) پیشوای اسلام، تاریخ مفصل اسلام، تاریخ جغرافیایی مکه و تاریخ جغرافیایی مدینه. سرانجام آن استاد در ماه رمضان ۱۴۱۰ ق، برابر با فروردین ۱۳۶۹ ش درگذشت و پیکرش در ابن بابویه تهران به خاک سپرده شد.

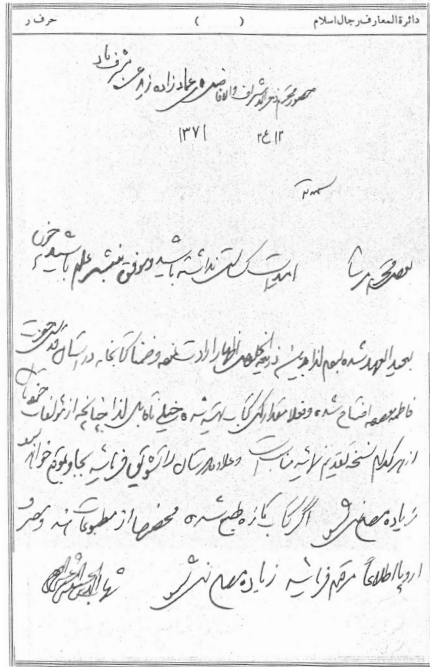
یکی از آثار مرحوم عمادزاده، دفتری بود که وی فراهم آورده، و از عالمان درخواست کرده بود یادداشتی در آن بنویسند. از امام خمینی یادداشتی در آن دفتر به جا مانده است و مرحوم والد نیز مطالبی در دو صفحه در آن مرقوم نموده‌اند. این دفتر اکنون در مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود.

آنچه در زیر آورده می‌شود، متن و تصویر چند نامه از مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی است که تصویر همه آنها اخیراً در کتاب دائرة المعارف رجال اسلام، تألیف استاد عمادزاده، به چاپ رسیده است. همه این نامه‌ها در باره کتاب و نسخه‌های خطی و تحقیق و تألیف، و نیز شامل رهنمودهایی به در باره چگونگی تألیف است. جالب توجه اینکه در یکی از نامه‌ها، از علامه محمد قزوینی و علی اکبر دهخدا و عباس اقبال آشتیانی یاد شده، و در آن آمده است: «گرچه حضوراً با هیچ کدام ملاقاتی نشده، ولی از راه دور اخلاص غایبانه دارم و از مساعی این عده قلیله ارباب فضائل ایران، کمال تشکر را دارم و در سهم خود دعاگو هستم.»

اینک متن و تصویر این نامه‌های نویافته:

حضور محترم ذخر الاشراف و الافاضل آقای عمادزاده - زید عزه - مشرف باد

۱۲ ربیع الثانی ۱۳۷۱



بسمه تعالی

به عرض محترم می‌رساند:
 امید است کسالتی نداشته باشید و موفق به
 نشر علم باشید. چون بعید العهد شده بودم،
 لذا بدین ذریعة الخلوص اظهار ارادت نموده
 و ضمناً کتابخانه در آستان قدس حضرت
 فاطمه معصومه افتتاح شده و فعلاً مقدار
 کمی کتاب تهیه شده خیلی ناقابل. لذا
 چنانچه از مؤلفات خودتان از هر کدام نسخه
 تقدیم نمائید مناسب است، و علاوه دوستان
 را تشویق فرمائید به جا و به موقع خواهد بود.
 زیاد مصدع نمی‌شوم. اگر کتاب تازه طبع

شده، مخصوصاً از مطبوعات هند و مصر و اروپا، اطلاعاً مرقوم فرمائید. زیاد مصدع
 نمی‌شوم.

شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

به عرض عالی می‌رساند:

رقیمه کریمه توسط پست زیارت، از اظهار مرحام کمال مسرت حاصل شد. منتظر ارسال
 کتاب ابی الفضل (ع) هستم. از باب خالی نبودن عریضه یک نسخه خلاصه الرجال آیت الله
 علامه حلّی را که نداشتید توسط حامل عریضه ارسال نمودم. سلام خدمت آقای والد و آقای
 اخوی دارم. زیاد مصدع نمی‌شوم.

شهاب الدین الحسینی النجفی

گاه گاهی از سلامتی خودتان مرقوم و خوشوقتم خواهید فرمود.

به عرض عالی می‌رساند:

رقیمه شریفه زیارت شد، از اظهار مراحم کمال خوشوقتی حاصل شد. از باب خالی نبودن عریضه یک نسخه صحیفه شریفه سجّادیه ارسال شد، ولی متأسفانه تمام مقدماتی که حقیر بر صحیفه نوشته بودم، طبع ننموده‌اند؛ فقط چند ورقی بیش طبع نکرده‌اند. به هر حال این نسخه را محض یادگار ابتیاع نموده، تقدیم کردم. از طبع تبیان شیخ الطائفه خیری ندارم، البتّه پس از ملاقات آقای شیرازی از طرف حقیر، تحریص و ترغیب فرمائید که عجله بفرمایند، چون دنیا معرض آفات است. خیلی از کتابها شروع به کتابت و طبعش شده بالاخره ناقص ماند. سلام خدمت آقای کرمانی دارم، عریضه جوفی راجع است به آقای عمادزاده با خلاصه الرجال، علی اسرع وجه به ایشان ایصال فرمائید ممنون خواهم شد.

شهاب الدین الحسینی النجفی

طهران، جلیل آباد، بازارچه و گذر قلی، جنب تکیه قمی ها.
حضور محترم حضرت مستطاب فخرالافاضل و الکتّاب و الاشراف آقای عمادزاده - زید عزّه -، مشرف باد.

سفارشی یک قبضه، ۵ صیام ۱۳۷۳

شهاب الدین الحسینی النجفی المرعشی

بسمه تعالی

به عرض شریف عالی می‌رساند:

امید است وجود مسعود از کافه بلیات محفوظ بوده باشد. تلفن و رقیمه کریمه واصل، در موضوع مذکور هنوز اشخاصی که مرقوم فرموده بودید که خواهند آمد، به جهت سؤال هنوز کسی نیامده. البتّه اصل الملائکات^۱ آنچه مقتضی اخلاص است عرض خواهد شد. کتاب تازه اگر سراغ فرموده‌اید به مخلص اطلاع خواهید داد.

۱ ظاهر رسم الخط این گونه است.

از دائرة المعارف آریا جزء هفتم نرسیده، سابقاً جزء بزرگ ضخیم که ۱۰۰۰ صفحه بود ارسال فرموده بودید، بعد از جزء ششم، بعد اخیراً ۸ و ۹، در وسط اجزاء باقیه نرسیده، البته نسخه حقیر را تکمیل خواهید فرمود و علاوه، وجه و بقیه دین حقیر را مرقوم فرمائید، و اگر نحوی می شد به کابل آدرس می دادید مستقیماً به قم ارسال می داشتند بهتر بود.

راجع به کلمات مرویه از حضرت جواد و حضرت هادی و حضرت عسکری (ع)

مراجعه به کتب ذیل فرمائید:

نزہة الخاطر در کلمات قصار آنها و سائرا تمه است، مجلّدات بحار، کشف الغمّه، [ال] فصول المهمّه، ارشاد مفید، الاثنی عشریّة، روضة الواعظین ابن فتنال، احتجاج طبرسی، مجموعه ورام، اعلام الوری، مجلّدات ناسخ، ابن خلکان، خصوص جلد ۱۷ بحار، مجلّدات عوالم، وافی، روضه کافی، وسائل مستدرک، الثاقب فی المناقب، مناقب ابن شهر آشوب، نور الابصار، الدمعة الساکبة، جامع الاحادیث سیّد شبر، ربیع الابرار زمخشری، تحف العقول، تذکره سبط ابن جوزی و نظیر اینها بسیار است، زیاده مزاحم نمی شود.

به عرض شریف می رساند:

انشاء الله وجود محترم قرین صحت بوده باشد. چون آقای حاج عباس عازم بودند به وسیله ایشان این دو کلمه عرض شد. انشاء الله از نسخه حضرت ابی الفضل ارسال خواهید فرمود. جلد ششم بحار طبع حاج محمد حسن محل لزوم شده، بلکه نسخه تهیه فرموده با تعیین قیمت ارسال فرمائید.

شهاب الدین الحسینی

مرحوم کاتب
رسیده طبعه زیارت از نظر دارم اعلام فرموده
از اب خالی نبود عرض کرد نسخه صحیحه طبعه سجاده ارسال اولیاً
تمامه که در صحیحه نوشته بودم طبع نسخه از فقط جزء در صحیح
طبع کرده اند هر حال این نسخه را طبعه با کاتبان بعد از آنکه
تیسار شایسته خبر نظر است بر اینها است هر سال از طرف حضرت
ترتیب از آنکه که بعد از آنکه در اینها است هر سال از طرف حضرت
مکتوبات و طبعه در اینها است هر سال از طرف حضرت
راجح است که از طرف دارم با ظهور الرجال علی وجه ما است
فرستادن منقول خواهم

بسمه تعالی

به عرض شریف می‌رساند:

امید است وجود محترم قرین صحّت و عافیت بوده باشد. غرض از تصدیع آنکه مدتی است به کلی از احوال شریف بی‌اطلاعم، متمنی است از سلامتی خودتان دو سه کلمه مرقوم فرموده موجب تشکر خواهد شد.

و از کتاب ترجمه زینب کبری چند جلد با تعیین قیمت توسط حامل عریضه ارسال فرمائید قبول است.

زیاده مصدّع نمی‌شوم.

شهاب الدین الحسینی النجفی

بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند:

رقیمه کریمه پس از مدتی انتظار شرف وصول ارزانید، از سلامتی و اظهار مراحم کمال مسرت حاصل گردید. راجع به ترجمه زینب کبری اشاره فرموده بودید بسیار خوب فکری است. البتّه امروزه می‌دانید اهل بیت عصمت فوق‌العاده مظلوم هستند، و حملات و هابیهای نجدی و هابیهای وطنی و سائر طوائف و تبعه‌اهواء و میول فوق‌العاده است، و البتّه آنچه از هر کسی ساخته است باید مسامحه نشود، خاصه امثال سرکار. فوق‌العاده از این اقدامات سرکار ممنون و در مظان اجابت دعا مخصوصاً از خداوند سبحان مسئلت می‌نمایم شما را به خدمات شرع موفق فرماید. بمحمد و آلّه الطاهرین. فهرست متمهدی‌ها را با تقریظ ترجمه کتاب زینب کبری و تقریظی جهت حضرت المهدی در هفته‌آتی ارسال خدمت می‌شود. چون حقیر بر خود فرض می‌دانم اظهار ارادت و اخلاص نسبت به سرکار را، و قدردانی زحمات شما را از جمله فرائض لازمه و تکالیف متوجه خود می‌شمارم. در خاتمه سلام مخصوص حضور محترم آقای امیرزا محمد خان قزوینی و آقای دهخدا و آقای اقبال دارم، گرچه حضوراً با هیچ کدام ملاقاتی نشده ولی از راه دور اخلاص غایبانه دارم و از مساعی این عده قلیله ارباب

فضائل ایران کمال تشکر را دارم، و در سهم خود دعاگو هستم. زیاده مصدع نمی شود.

شهاب الدین الحسینی النجفی

بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند:

رقیمه کریمه با تاریخ اصفهان آقای

جابری رسید، ممنون مراحم شدم، ولی از فهرست آن از صفحه اولی تا ۱۱ ناقص است البته تتمه را ارسال فرمائید. وجه آن لفاً تقدیم شد، رسید را مرقوم فرمائید.

بسمه تعالی
بخدمت عالی می‌رساند
شهاب الدین الحسینی النجفی
تاریخ اصفهان
رقیمه کریمه با تاریخ اصفهان آقای جابری رسید، ممنون مراحم شدم، ولی از فهرست آن از صفحه اولی تا ۱۱ ناقص است البته تتمه را ارسال فرمائید. وجه آن لفاً تقدیم شد، رسید را مرقوم فرمائید.

تاریخ اصفهان مرحوم جناب را مطالبه فرموده بودید، چنانچه حقیر در عرائض سابقه عرض کردم که یک نسخه برای بنده ایتیاغ فرمائید.

الحال این نسخه را توسط مسافر ارسال خدمت می‌نمایم، ولی متمنی هستم یک نسخه برای داعی تهیه فرمائید، کمال تشکر را دارم.

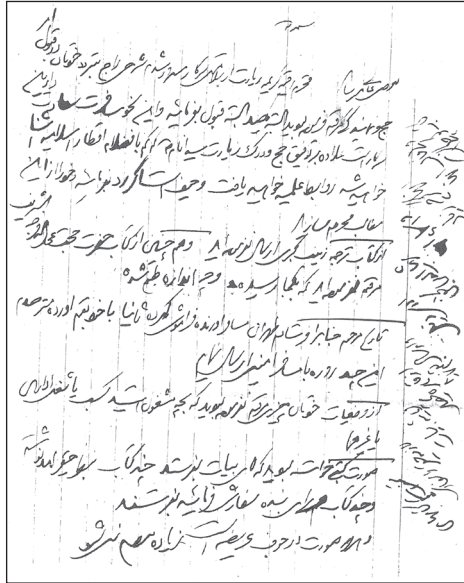
کتاب که در روزنامه اعلان شده بود بالاخره معلوم نشد چه بود! البته منتظر نتیجه تحقیق هستم. اگر ترجمه زینب الکبری از طبع درآمد، فوراً با پست یک نسخه ارسال فرمائید که می‌خواهم با اصل آن در یک جلد تجلید نمایم. چندی قبل دعوات مهدویت و نیابت خاصه و سه قضیه از قضایای ملاقات با آن حضرت را فرستادم، ان شاء الله تاکنون رسیده.

شهاب الدین الحسینی النجفی

بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند:

محترم رقیمه کریمه زیارت از سلامتی سرکار مسرور شدم. شرحی راجع به تردد خودتان



در قبول امر حج و نمایندگی مرقوم فرموده بودید، البتّه صد البتّه قبول بفرمائید و این نحو مسافرت سعادت دارین سرکار است. علاوه بر توفیق حج و درک زیارت سیّد انام (ص) کم کم با فضلاء اقطار اسلامیّه آشنا خواهید شد، روابط علمیه خواهید یافت، و حیف است اگر رد بفرمائید و خود را از این مطالب محروم سازید.

از کتاب ترجمه زینب کبری ارسال نفرموده‌اید، و همچنین از کتاب حضرت

حجّت - عجل الله فرجه الشریف - مرقوم نفرموده‌اید که به کجا رسیده و چه اندازه طبع شده. تاریخ مرحوم جناب را فرستادم طهران، مسافر آورنده فراموش کرده ثانیاً با خود به قم آورده، مترصدم این چند روزه با مسافر امینی ارسال نمایم.

از وضعیات خودتان چیزی مرقوم نفرموده بودید که به چه مشغول هستید؛ کسب، یا شغل اداری، یا غیرهما.

صورت کتبی خواسته بودید که آقای بیات بفرستد. چند کتاب به نظر حقیر آمد نوشته، و چند کتاب هم برای بنده سفارش فرمائید بفرستند.

و هر دو صورت در جوف عریضه است، زیاده مصدّع نمی‌شوم. متمنی است کتابهای لازمه حقیر را سفارش فرمائید بیات از قاهره تحصیل و ارسال به قم نماید، آدرس ذیل: شهاب الدین نجفی. و اسماء آنها گرچه زیاد ولی غالب آنها کتاب کوچکی است.

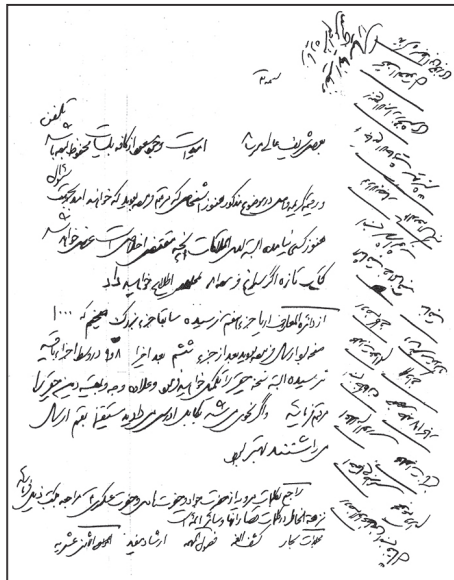
بسمه تعالی

به عرض محترم می‌رساند:

امید است از برکات این ماه عزیز بهره‌مند و مستفیض بوده باشید. رقیمة کریمه واصل، شرحی



راجع به اوراق عکس منتقلة الطالبية مرقوم فرموده بودید و تعجب کردم، چون مخلص دوسه روز پس از رسیدن اوراق عکس رسید را یک عریضه توسط بعضی از طلاب ارسال حضور محترم نمودم و معلوم می شود آن مؤمن نرسانیده و سبب خجالت حقیر را فراهم آورده. به هر حال اوراق رسیده و حقیر نسخه قلمی خودم را با او مقابله می نمایم. انشاء الله عن قریب مقابله تمام شده حضور محترم می فرستم، خیلی خیلی معذرت می خواهم.



عرض دیگر آنکه خواهشمندم فرمان خدمت حقیر را در حرم حضرت ابی الفضل با پست همین هفته لطفاً ارسال فرمائید، منتظرم.

راجع به مدینه طیبه البتّه چیزهایی در دست دارم، حضور محترم می فرستم و البتّه یادداشتهای سابق را که حقیر در خصوص مدینه فرستاده بودم رسیده و درج فرموده اید. در عریضه سابقه عرض کرده بودم مقداری کتاب زینب کبری و منتقم حقیقی لازم است، لطفاً ارسال و وجه آن را مرقوم فرمائید. در خاتمه سلام حضور محترم آقای اقبال و آقای همائی و آقای مشکوة دارم. زیاده بر این مصدّع نمی شود.

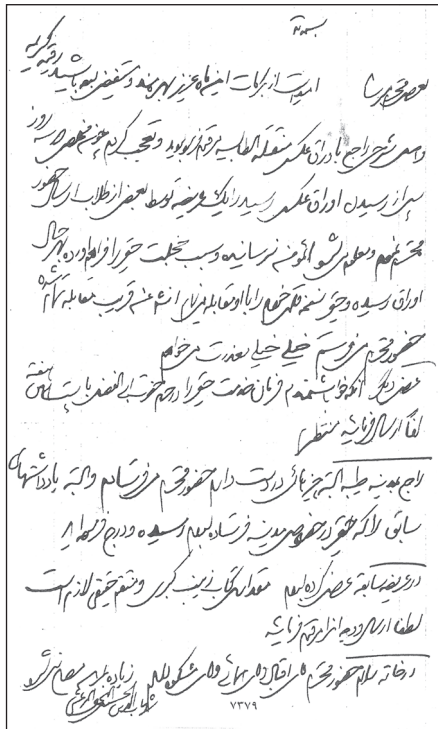
شهاب الدین الحسینی النجفی المرعشی

بسمه تعالی

به عرض محترم می رساند:

رقیمه مبارکه زیارت، از اظهار مراحم کمال مسرت حاصل شد. تقبل الله اعمالکم و ضاعف حسناتکم. مرقوم فرموده بودید که کتاب مستطاب قمر بنی هاشم را خیال طبع دارید،





بسیار فکر خوبی است چون طالب دارد، ولی نواقص ذیل باید رفع شود:

۱. خطش خیلی ریز است باید درشت‌تر شود.
۲. سطور صفحات زیاد است باید قدری سطرها از هم باز باشد تا کتاب جلوه داشته باشد.
۳. حاشیه‌اش خیلی کم است به نظر زشت می‌آید.
۴. خود کتاب غلط خیلی دارد.
۵. نوشته‌های حقیر هم غلط دارد، غلط نوشته‌های حقیر بر عهده حقیر تصحیح کنم، ولی غلط کتاب را مجال ندارم.

۶. عکس حقیر را چون عکس در طبع سابق مال زمان سابق است، مناسب است عکس این ایام باشد، و همچنین عکس خودتان.
۷. صورت فرمان خدمت حقیر را در حرمین شریفین کربلا که در تاریخ کربلا طبع فرموده‌اید و امضاء آقای حاج سید مرتضی کلیددار حضرت ابی‌الفضل است، مناسب می‌باشد در این کتاب درج فرمائید، و چون او هم چند غلط داشت تصحیح کرده جوفاً فرستادم. اصل آن را که هرچه اصرار شد نفرستادید، و این رشته باعث شد که حقیر هرکس نسخه می‌خواهد خودداری نمایم.
۸. در ابواب کتاب حضرت ابی‌الفضل (ع) یک فصل اشاره به تولیت و خدام بفرمائید.
۹. و به نظر حقیر صفحه کتاب قدری از صفحات طبع سابق کوچک‌تر باشد بهتر خواهد بود.
۱۰. اگر کاغذ کتاب قدری ضخیم‌تر باشد بهتر خواهد بود.
۱۱. پاره از مطالب که زنده اذهان خیلی از جوانهای امروز است حذف بشود بهتر خواهد بود. زیاده بر این مزاحم نمی‌شود.

شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی